

## ارائه الگوی جاری برنامه‌درسی با نشاط در دوره ابتدایی: رویکرد داده‌بنیاد<sup>۱</sup>

ندا باقری مهباری<sup>۲</sup>، هادی پورشافعی<sup>۳</sup>، محمدعلی رستمی‌نژاد<sup>۴</sup>، محمدرضا نیستانی<sup>۵</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی الگوی جاری نشاط در برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش داده‌بنیاد انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان بالقوه پژوهش شامل کلیه کارگزاران دخیل در نشاط در برنامه‌های درسی دوره آموزش ابتدایی بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاک محور انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته چهارده نفر از معلمان، پنج نفر از مدیران مدارس، هشت نفر از اولیا دانش‌آموزان جمع‌آوری شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. برای تأمین روایی و پایایی از معیارهای لینکن و گوبا استفاده شد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده‌ی بیست و یک مفهوم محوری و هشت مقوله منتخب است که در قالب مدل پارادیمی شامل غفلت از نشاط در برنامه‌های درسی و تربیتی مدارس به عنوان مقوله‌ی محوری و شرایط علی (ضعف مدیریتی مدارس، ضعف در فرهنگ آموزشی مدارس، ضعف در روابط اجتماعی دانش‌آموزان)، عوامل زمینه‌ای (عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل سازمانی و عوامل آموزشی)، شرایط مداخله‌ای تسهیل‌گر (عوامل شخصیتی و فردی، جذابیت محتوایی کتب درسی، توجه به تفاوت‌های فردی و ارزشیابی کیفی)، شرایط مداخله‌گر محدودکننده (چالش‌های فردی، چالش‌های فرهنگی و چالش‌های مدرسه‌ای)، راهبردها (تعاملات و ارتباطات دانش‌آموزان، صمیمی سازی فضای کلاسی توسط معلمان، توجه به روش‌های فعال تدریس، پویاسازی فضای فیزیکی) و پیامد (افزایش افسردگی و سرخوردگی تحصیلی) سازمان یافت. بنابراین می‌توان نتیجه‌گرفت توجه به زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، سازمانی و آموزشی در تلفیق نشاط در برنامه‌های درسی مورد نیاز است.

واژه‌های کلیدی: نشاط، برنامه‌درسی، دانش‌آموزان، مقطع ابتدایی، داده‌بنیاد

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه‌درسی با نشاط در دوره آموزش و پرورش ابتدایی" در دانشگاه بیرجند است.

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. n.baqrymhyary@gmail.com

۳. دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول) Hpourshafei@birjand.ac.ir

۴. دانشیار تکنولوژی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. m.arostami@birjand.ac.ir

۵. استادیار برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. m-neyestani@edu.ui.ac.ir

### مقدمه

در نظام آموزش و پرورش ایران در اواخر دهه ۱۳۹۰ سندی تحت عنوان سند تحول بنیادین تدوین گردید که به عنوان چشم‌اندازی برای آینده نظام آموزش و پرورش ایران تلقی می‌گردد. در این سند ساحت‌های مختلف تربیتی ترسیم و اهداف و راهکارهای رسیدن به هر یک از این اهداف مشخص گردیده است. یکی از اصولی که در این سند بر آن تأکید شده مربوط به ایجاد نشاط در امر آموزش است. در سند فوق نشاط به عنوان حاکم بودن روح روابط انسانی در تمامی امورات آموزشی تعریف شده است. این سند در ارتباط با اهمیت نشاط تأکید می‌کند که وقت دانش‌آموزان نباید فقط به آموزش بگذرد بلکه ایجاد نشاط از طریق گردش علمی، فعالیت هنری و پرورشی بایستی مدنظر قرار گیرد (Fundamental Reform Document of Education, 2011).

نشاط عنصر حیات بخش زندگی است. پس از قدرت تفکر می‌توان گفت که نشاط عامل تمیز دهنده بین انسان و حیوان است. انسان‌ها همواره در طول تاریخ به دنبال شاد زیستن و نشاط بوده‌اند، در واقع نشاط، با توجه به تأثیرات عمده‌اش بر شخصیت و زندگی آدمی؛ همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده است (Kaur & Sharma, 2021). تعاریف مختلفی از نشاط در ادبیات موجود است (Lee, 2016). نشاط به عنوان یک ساختار چندبعدی که شامل معنای زندگی، احساسات مثبت، مسئولیت، روابط مثبت و موفقیت است، تعریف می‌شود (Seligman & Adler, 2019). در حالی که نشاط برای بزرگسالان به متغیرهای زیادی مانند سلامت، زندگی خانوادگی، روابط اجتماعی، امنیت، آزادی، ارزش‌های اخلاقی، سطح درآمد، شرایط کار بستگی دارد؛ اما نشاط برای کودکان و نوجوانان را می‌توان با متغیرهایی مانند سطح برآورده شدن نیازهای اولیه، عشق، اعتماد، ارتباط، شناخت، موفقیت مدرسه، برنامه‌های درسی کلاس، سلامت و بازی مرتبط دانست (Ahn et Al, 2004; Clair, 2012). به عبارتی یکی از مسائل اساسی در نظام آموزش توجه به نشاط است. بسیاری از دانش‌آموزان در مدارس از هیجان چندانی برخوردار نیستند و گاهی اوقات احساس فرار پنهانی از مدرسه دارند. این بدان معناست که اگرچه دانش‌آموزان از مدرسه فرار نمی‌کنند و در مدرسه حضور دارند؛ اما دچار نوعی حس بی‌تفاوتی از درس و مدرسه هستند؛ اما سؤال اساسی اینجاست که برای فهم میزان نشاط بایست به چه شاخص‌هایی مراجعه کرد؟ (Diener, 1999).

برای پرورش چنین شاخص‌هایی آموزش و پرورش مدرن باید علاوه بر مهارت‌هایی چون خواندن، نوشتن و حساب کردن به نیازهای نوین چون حل مسئله، توانایی زیستن و رویارویی با چالش‌های هزاره سوم توجه داشته باشد. باید توجه داشت که آموزش و پرورش از مؤلفه‌های گوناگونی تشکیل شده و هریک از این عناصر ارتباط مستقیمی با نشاط دانش‌آموزان دارد. در حالی که نشاط و شادابی برنامه درسی باعث رشد و تکامل همه ابعاد وجودی یک دانش‌آموز در بعد جسمانی،

شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی می‌شود (Aflaki Fard & Bazm, 2018). همچنین Bird & Markle (2012) استدلال می‌کنند که برنامه‌های درسی نشاط‌آور نه تنها به موفقیت تحصیلی دانش‌آموز کمک می‌کنند، بلکه سایر مهارت‌های زندگی مانند ارتباط سالم، موفقیت مادام‌العمر و خودشکوفایی را نیز بهبود می‌بخشند.

در این میان نظام آموزشی نقش بسیار مهمی در نشاط و ارتقای آن در مراحل دوران کودکی و بالاتر از آن ایفا می‌کند و باعث بهبود شخصیت و نگرش دانش‌آموزان می‌شود و سرزندگی دانش‌آموزان را سبب می‌شود (Abedi et Al, 2014). در گذشته به نظر می‌رسید که وظیفه آموزش و پرورش تولید فارغ‌التحصیل است که فقط بتواند امرار معاش کند اما چنین می‌نماید که در قرن جدید نظام‌های آموزش و پرورش این مرحله را پشت سر گذاشته و سرلوحه تعلیم و تربیت در یک جمله خلاصه شده است: شوق زندگی کردن را به دانش‌آموزان بیاموزیم (Aflaki Fard & Bazm, 2018).

از دیدگاه اسلام، شادی، نشاط، محبت و عشق از زیباترین و کارسازترین نعمت‌های خداوند هستند. خوشی، خرسندی، شادمانی در منابع دینی و فرهنگی مورد توجه خاص است. تعریف و تمجید از مقوله‌های نشاط در چارچوب کاملاً منطقی و دور از افراط و تفریط و کنترل هیجانات اعم از خشم و غضب، شادی و نشاط از شاهکارهای آیین محمدی است. اسلام بهره‌گیری از نشاط، لذت از زندگی و رضایت‌مندی از آن را طی آموزه‌های سهل و آسان آموزش می‌دهد تا جایی که حتی تبسم به چهره دیگران را پاداش داده و عملی دارای ثواب می‌شمارد و به این ترتیب به نشاط عمق بخشیده و آن را درونی و پایدار می‌نماید تا تشنگی انسان را نسبت به این مقوله پاسخگو باشد. از طرفی نیز از شادی‌ها و لذت‌های زودگذر و کاذب به شدت جلوگیری نموده و معتقد است که این گونه شادی‌ها، تنها بخش بسیار کوچک و سهم ناچیزی از نشاط واقعی است. پدیده نشاط نه تنها به صورت مبهم درک می‌شود، بلکه به طرق مختلف نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد (Chernik et Al, 2021)، پژوهش‌ها عوامل مختلف و متعددی را مؤثر بر نشاط در برنامه‌های درسی و مدارس با نشاط بیان داشته‌اند به عنوان نمونه، محتوای مناسب با علائق فراگیران (Jafari & Talebzadeh, 2010)، فضای فیزیکی آموزشگاه (Bakosh et Al, 2016)، ارتباط عاطفی بین دانش‌آموزان و معلمان (Moskowitz & Dewaele, 2019)، همکاری و خوش بینی (Singh, 2019)، شایستگی‌های عاطفی - اجتماعی (Suma et Al, 2020)، هوش هیجانی بر مبنای فراگیران (Alam et Al, 2022). پژوهش‌های مختلف در داخل کشور نشان می‌دهد نرخ شادی و نشاط در برنامه‌های درسی و مراکز آموزشی ما بسیار پایین است (Aflaki Fard & Bazm, 2018). از طرف دیگر کاهش نشاط در برنامه‌های درسی مدارس می‌تواند منجر به تضعیف روابط دوستانه،

افسردگی، ضعف تحصیلی و تنهایی منجر شود (Yucel & Vogt-Yuan, 2016, Desan et al, 2021).

با توجه به مطالب بیان شده در زمینه پیشینه پژوهشی نشاط در برنامه‌های درسی منجر به بهبود فرآیند آموزشی و تربیتی مدارس می‌شود. از سویی شناخت الگوی جاری نشاط در برنامه درسی مدارس منجر به زمینه‌سازی طراحی الگوی تلفیق نشاط در برنامه‌های درسی می‌شود. بررسی تحلیلی پیشینه پژوهشی در زمینه نشاط در برنامه درسی دوره ابتدایی و استدلال‌ها و بیانات متخصصان همان طور که در خلاصه تعریف مسئله بیان شده؛ نشان دهنده ضعف‌ها و چالش‌هایی در این زمینه می‌باشد. نکته مهم این است که تاکنون کمتر پژوهشی به بررسی وضعیت جاری نشاط در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و ارائه الگوی جاری آن پرداخته است. توجه به ابعاد گوناگون نشاط در برنامه‌های درسی از دیدگاه تمام ذی‌نفعان اصلی و کارگزاران دخیل در برنامه با در نظر گرفتن بافت مدارس ابتدایی و زمینه اجرایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا این پژوهش بر آن است با در نظر گرفتن واقعیت‌های اجرایی برنامه درسی در بافت و بستر کلاس درس، با توجه به دیدگاه کارگزاران اصلی برنامه‌های درسی، با بررسی وضع موجود نشاط در برنامه‌های درسی، الگوی حاکم بر برنامه‌های درسی در حال اجرای نشاط را شناسایی و صورت‌بندی کند. بنابراین هدف اصلی پاسخ به این سؤال پژوهش است که الگوی جاری برنامه درسی با نشاط در دوره ابتدایی در مدارس چیست؟

### روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف مطالعه حاضر شناسایی الگوی جاری نشاط در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی بود و محقق با هدف مطالعه زمینه اصلی پژوهش، قصد داشت تا ضمن زیست و آگاهی از میدان و زمینه موجود در برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی، فرآیند جاری تلفیق نشاط در برنامه‌های درسی را مورد تحلیل قرار دهد، بنابراین از رویکرد داده بنیاد استفاده کرد. از سویی دیگر در این پژوهش از آنجا که به دنبال تبیین کلی از فرآیند نشاط در برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی بودیم، از رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. از این رو پژوهش حاضر از نظر رویکرد جزو تحقیقات کیفی و ازلحاظ روش، مبتنی بر مطالعات داده بنیاد می‌باشد. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده بنیاد استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان مورد مطالعه این پژوهش شامل؛ معلمان و مدیران مدارس مقطع ابتدایی استان اصفهان و والدین دانش‌آموزان بودند، که از طریق نمونه‌گیری هدفمند طبق رویکرد ملاک محور، نمونه‌ی مورد نظر انتخاب و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. از این رو مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۱۴ نفر از معلمان (ملاک ورود حداقل پنج سال سابقه خدمت در مقطع ابتدایی)، ۵ نفر از مدیران مدارس، ۸ نفر از اولیا

دانش‌آموزان بودند. از این جهت که عوامل مؤثر در برنامه‌های درسی و نشاط در آن معلمان، مدیران و والدین فراگیران می‌باشند و در مطالعات داده‌بنیاد باید پدیده مورد نظر از دید تمام افراد دخیل مورد بررسی قرار گیرد تا لایه‌های پنهان موضوع مشخص شود از این سه گروه استفاده شد. البته شایان ذکر است از مصاحبه‌های ۲۵ به بعد کدها دقیقاً تکرار می‌شدند و یافته‌های مصاحبه‌ها به اشباع رسیدند. جهت محرمانه ماندن هر کدام از شرکت‌کنندگان در مراحل پژوهش و رعایت اخلاق پژوهشی به هر کدام از آن‌ها یک کد اختصاص داده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده‌بنیاد، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله: الف) کدگذاری باز؛ ب) کدگذاری محوری و ج) کدگذاری انتخابی انجام شد. برای تأمین روایی و پایایی از روش گوبا و لینکلن<sup>۱</sup> ۱۹۸۰ استفاده شد. آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار<sup>۲</sup>، قابلیت انتقال<sup>۳</sup>، قابلیت اتکا<sup>۴</sup> و قابلیت تأیید<sup>۵</sup>» را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش بر شمردند (Creswell, 2017). در زمینه‌ی قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضاء شرکت‌کننده استفاده شد و یافته‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان در پژوهش قرار گرفت تا نظر خود را در مورد استنباط‌ها بیان کنند. در زمینه‌ی قابلیت انتقال، یافته‌ها در اختیار متخصصین حوزه برنامه‌دستی قرار داده شد. در زمینه‌ی قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان)، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد و دو نفر به صورت جداگانه یافته‌ها را مورد کدگذاری قرار دادند و درصد توافق بین کدگذاری‌ها بالای ۸۰ درصد شد و در زمینه‌ی قابلیت تأیید مرور و بازخورد هم‌تایان بکار برده شد.

### یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به نظریه برآمده از خصوصیات واقعی الگوی جاری نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی از روش‌های تحلیل اشتروس و کوربین مورد استفاده قرار گرفت (Corbin & Strauss, 2008). این الگو شامل ۶ محور اصلی (شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر (تسهیل‌گر و محدودکننده)، راهبردها و پیامدها) است که در ادامه گزارش شده است.

- 
1. Guba & Lincoln
  2. Credibility
  3. Transferability
  4. Dependability
  5. Conformability

## ۱- شرایط محوری پدیده نشاط در برنامه درسی دوره ابتدایی چیست؟

مقوله محوری، مضمون اصلی پژوهش است که اگرچه از درون پژوهش بیرون می آید اما یک مفهوم انتزاعی است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). جهت یافتن پدیده محوری محقق با مقایسه و طبقه بندی مجدد به تغییر، تکمیل، ترکیب و توسعه مقوله ها به صورت مستمر پرداخت (Corbin & Strauss, 2008). در پژوهش حاضر مرکز ثقل الگوی جاری نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی «غفلت از نشاط در برنامه های درسی و تربیتی مدارس» استخراج گردید. نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: شرایط محوری نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت کنندگان (کدباز)
غفلت از نشاط در برنامه های درسی و تربیتی مدارس	ضعف تعاملات مدرسه ای	عدم استفاده مطلوب از فضای فیزیکی و تجهیزاتی مدارس در راستای پویاسازی
		عدم توجه به تعاملات و روابط عوامل آموزش در ارتباط با یکدیگر
		ضعف در تعاملات بین دانش آموزان و معلمان در مدارس
		رنگ باختن توجه به مهارت های ارتباطی در برنامه درسی مدارس
		عدم بسترسازی صحیح در مدارس برای تعامل و ارتباط با والدین و سایر عوامل بیرونی
	ضعف نشاط در عناصر اصلی برنامه درسی	عدم توجه به تأثیر زمان آموزش در نشاط و یادگیری کودکان
		بی توجهی به نقش صمیمیت در مفرح سازی فضای کلاسی
		استفاده از رویکردها و روش های مستقیم و یک طرفه اجرای برنامه های درسی
		بی توجهی به وضعیت و شرایط روحی دانش آموزان در زمان آموزش (آموزش برای همه و در هر شرایط)
		محتوا محوری در برنامه های درسی
		رویکردهای ارزشیابی سنتی و مبتنی بر استرس و فشار روحی
	عدم توجه به ظرفیت مشاوره در مدارس ابتدایی	بی توجهی به جو و فضای رقابتی مدارس و عدم توجه به کیفیت های آموزشی
		عدم توجه به اختلالات یادگیری دانش آموزان ابتدایی و نهادینه شدن اختلالات با آن ها
		عدم توجه به ظرفیت مشاوره ای معلمان مدارس ابتدایی در کنار ظرفیت آموزشی
		عدم تخصیص مشاور به مدارس ابتدایی و کمبودهای مربوط به آن

### ۱-۱ ضعف تعاملات مدرسه‌ای

طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش عدم استفاده مطلوب از فضای فیزیکی و تجهیزاتی مدارس در راستای پویاسازی، عدم توجه به تعاملات و روابط عوامل آموزش در ارتباط با یکدیگر، رنگ باختن توجه به مهارت‌های ارتباطی در برنامه درسی مدارس، عدم بسترسازی صحیح در مدارس برای تعامل و ارتباط با والدین و سایر عوامل بیرونی بر نشاط دره تحصیلی و به‌طور خاص برنامه درسی نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی از جمله کدهای باز این مقوله محوری است. در ادامه به برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود:

«در مدارس ما به روابط دانش‌آموزان و تعاملات در کلاس درس یا سطح مدرسه توجهی نمی‌شود در حالی که تا حد زیادی این تعاملات می‌تواند تعیین‌کننده نشاط تحصیلی دانش‌آموزان باشد.»

### ۲-۱ ضعف نشاط در عناصر اصلی برنامه درسی

به عقیده مشارکت‌کنندگان ضعف نشاط در عناصر اصلی برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی از محوری‌ترین شاخص‌های ضعف نشاط در مدارس است. طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش عدم توجه به تأثیر زمان آموزش در نشاط و یادگیری کودکان، بی‌توجهی به نقش صمیمت در مفرح سازی فضای کلاسی، استفاده از رویکردها و روش‌های مستقیم و یک‌طرفه در آموزش کودکان، بی‌توجهی به وضعیت و شرایط روحی دانش‌آموزان در زمان آموزش (آموزش برای همه و در هر شرایط)، بی‌توجهی به جو و وجود فضای رقابتی مدارس، محتوا محوری در برنامه‌های درسی رویکردهای ارزشیابی سنتی و مبتنی بر استرس و فشار روحی و عدم توجه به کیفیت‌های آموزشی از جمله کدهای باز محور مذکور هستند.

«الان برنامه درسی دوره ابتدایی بیشتر محتوا محور شده و کمتر به بحث نشاط در مدرسه و برنامه‌درسی توجه می‌شود، برای اداره این مهم است که معلم کتاب درسی رو تا آخر سال تموم کنه؟»

### ۳-۱ عدم توجه به ظرفیت مشاوره در مدارس ابتدایی

طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش و مشاهدات و استنباط‌های میدانی پژوهشگران یکی دیگر از عوامل محوری عدم توجه به ظرفیت مشاوره در مدارس ابتدایی است چراکه ظرفیت مشاوره‌ای در مدارس منجر به بهبود شاخص‌های نشاط در مدارس و حل بیشتر مشکلات روانی دانش‌آموزان می‌شود؛ در این زمینه به شاخص‌هایی چون عدم توجه به اختلالات یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی و نهادینه شدن اختلالات با آن‌ها، عدم توجه به ظرفیت مشاوره‌ای معلمان مدارس ابتدایی در کنار ظرفیت آموزشی، عدم تخصیص مشاور به مدارس ابتدایی و کمبودهای مربوط به آن، بی‌توجهی به ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان و متعاقب آن ویژگی‌های تحصیلی احصا گردید.

«بحث مهمی که هست به مشاوره و ظرفیت‌های اون در مدارس ابتدایی اصلاً توجه نمی‌شود، الان باید هر مدرسه به مشاور داشته باشه.»

## ۲- شرایط علی پدیده نشاط در برنامه درسی دوره ابتدایی چیست؟

شرایط علی آن دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثرگذارند (Corbin & Strauss, 2008). به عبارتی می‌توان گفت شرایط علی، حوادث و اتفاقاتی است که به وقوع یا رشد و توسعه پدیده محوری می‌انجامند. نتایج در این بخش در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول ۲: عوامل و شرایط علی مؤثر بر نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
ضعف در فرهنگ آموزشی مدارس	ضعف مدیریتی مدارس	عدم آماده‌سازی محیط فیزیکی مناسب و حیاط مدارس
		بی‌توجهی به ایمن‌سازی محیط برای فعالیت و تحرک دانش‌آموزان
		عدم توجه به جشنواره‌های بانشاط و سرگرم‌کننده برای دانش‌آموزان
		تمرکز بیش‌ازحد بر فعالیت‌های دانشی و عدم توجه به فعالیت‌های فوق‌برنامه در مدارس
		عدم تخصیص وسایل بازی و سرگرمی برای مدارس
		ناتوانی در برنامه‌ریزی و تدارک محیط‌های پویا و رغبت برانگیز در مدارس
	ضعف در فرهنگ آموزشی مدارس	عدم توجه معلمان به اهداف انگیزشی و نگرشی برنامه درسی
		عدم توجه به تبادل فکری و هم‌اندیشی در فعالیت‌های کلاسی
		عدم استفاده از روش‌های آموزش غیرمستقیم در کلاس درس و تأکید بر استفاده از سخنرانی و روش‌های کسل‌کننده
		رقابتی کردن فضای کلاسی و عدم توجه به تفاوت‌های فردی
		عدم توانایی معلمان در نگه‌داشت انگیزه دانش‌آموزان در طول فعالیت‌ها
		بی‌توجهی به تعاملات کلاسی و استفاده از آن‌ها
	ضعف روابط اجتماعی دانش‌آموزان	عدم توانایی در دوست‌یابی و انتخاب مناسب دوست در میان دانش‌آموزان
		عدم توانایی در برقراری تعاملات سازنده با معلمان و کادر اداری مدرسه توسط دانش‌آموز
		آشنا نبودن به شکل صحیح درخواست و نادیده گرفتن نیازها
		عدم توانایی دانش‌آموزان در خودتنظیمی هیچانی

تحلیل و بررسی بیانات مشارکت‌کنندگان نشان داد که شرایط و عوامل علی مؤثر بر نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی شامل، ضعف مدیریتی مدارس، ضعف در فرهنگ آموزش، ضعف در روابط اجتماعی دانش‌آموزان می‌باشند. در زمینه ضعف مدیریتی مدارس، ناتوانی مدیران در برنامه‌ریزی و تدارک محیط پویا در مدارس موردتوجه است همچنین وجود ضعف‌هایی در آموزش و دیدگاه سنتی به برنامه‌های درسی از دیگر عوامل علی وضعیت موجود نشاط در برنامه‌درسی



مدارس است. ضعف روابط اجتماعی دانش‌آموزان نیز به‌عنوان عامل دیگری در وضعیت موجود نشاط در برنامه درسی مدارس بیان شد. در این زمینه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره می‌شود:

«معلمان ما متأسفانه آشنایی سطحی و ناقصی روش‌های فعال کلاس درس در عمل دارن و خیلی برداشتشان در این باره سطحیه. همین باعث شده تا توجهی به این موضوع نداشته باشن و نتوانند برای دانش‌آموزان، برنامه‌های ویژه و متفاوتی تدارک ببینند و کلاس‌ها به شکل کسل‌کننده پیش بره.»

«مدیران مدارس باید محیط ایمنی برای فعالیت بدنی و نشاط فراگیران ابتدایی در مدرسه فراهم کنند ولی چیزی که هست الان محیط‌های مدارس ما بیشتر ناایمن هستند و امکان فعالیت آزاد به فراگیران رو نمی‌دهند.»

«دانش‌آموزان در مهارت‌های اجتماعی خیلی ضعیف هستند، مثلاً نمی‌تونن برای خودشون دوست انتخاب کنند یا روابط دوستی رو حفظ کنند.»

### ۳- راهبردها نهادینه‌سازی پدیده نشاط در برنامه‌درسی دوره ابتدایی چیست؟

راهبردها، استراتژی‌هایی هستند که باهدف خاصی برای اداره و کنترل پدیده موردنظر صورت می‌پذیرد (Corbin & Strauss, 2008). راهبردها مبتنی برکنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و بازخورد پدیده موردبررسی هستند. در پژوهش حاضر تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده تعاملات و ارتباطات دانش‌آموزان، صمیمی‌سازی فضای کلاسی توسط معلمان، توجه به روش‌های فعال تدریس، پویاسازی فضای فیزیکی مورد تأکید مشارکت‌کنندگان بوده است. نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: راهبردهای نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)	
تربیت راهبردی	ارتباطات دانش‌آموزان و تعاملات	برقراری ارتباط عاطفی با سایر دانش‌آموزان	
		داشتن دوست‌های مناسب و پویا در زمینه‌های مختلف	
		توانایی تعامل و برقراری ارتباط با مدیران و معاونین مدارس در راستای رفع نیازها و بیان درخواست‌ها	
		توانایی برقراری ارتباط مناسب و سازنده با والدین و خانواده از سوی دانش‌آموز	
	صمیمی‌سازی فضای کلاسی توسط معلمان	حاکم کردن جو صمیمانه و به‌دوراز تحکم در کلاس درس	
		توجه به تفاوت‌های فردی در کلاس درس و احترام به آن	
		گروه‌بندی کلاسی و استفاده از راهبردهای تعامل محور در کلاس درس	
		اجازه دادن به دانش‌آموزان برای ابراز وجود و پذیرفتن اشتباهات ایشان	
			استفاده از فعالیت‌های خلاق در آموزش‌های تربیت‌بدنی و کلاسی

	توجه به روش های فعال تدریس	برخورداری از ویژگی های اخلاقی سالم همچون صبر، بردباری، اخلاق نیکو، تواضع و پرورش توسط معلمان
		استفاده از تکنولوژی و توجه به جنبه های بدیع آن در آموزش های کلاسی
		آشنایی معلمان با اصول و مهارت های آموزش تخصصی نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی
		جذب دانش آموزان به برنامه ها و فعالیت های پروژه ای
		استفاده روش های مبتنی بر فعالیت و پویایی در کلاس درس
	پویاسازی فضای فیزیکی و عاطفی مدارس	ایجاد بسترهای تعاملی و ارتباطی مبتنی بر تعامل در حیات مدارس و کلاس های درس دوره آموزش ابتدایی
		توجه به برنامه های مختلف فضای فیزیکی در راستای بانشاط سازی فضای فیزیکی همچون برنامه حیاط پویا
		استفاده از تمام ظرفیت های درونی و بیرونی مدارس در راستای یکپارچه سازی و جهت دهی به بازی های دانش آموزان در مدارس
		آموزش بازی های مفرح و شاد درون مدرسه ای به دانش آموزان و اجرای آن در فضای مدارس

تحلیل مصاحبه ها و دیدگاه های مشارکت کنندگان در پژوهش نشان می دهد راهبردهای آموزش نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی را می توان در چهار مؤلفه محوری مذکور سازمان داد که در ادامه به تشریح هر کدام از این راهبردها خواهیم پرداخت:

**۳-۱ تعاملات و ارتباطات دانش آموزان:** از جمله راهبردهای ارائه شده در زمینه تلفیق نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی طبق برداشت از مصاحبه های به عمل آمده می توان، توجه به ارتباط گیری فراگیران را ذکر کرد که مشتمل بر مؤلفه های برقراری ارتباط عاطفی با سایر دانش آموزان، داشتن دوست های مناسب و پویا در زمینه های مختلف، توانایی تعامل و برقراری ارتباط با مدیران و معاونین مدارس در راستای رفع نیازها و بیان درخواست ها، توانایی برقراری ارتباط مناسب و سازنده با والدین و خانواده از سوی دانش آموز بود. با بررسی مصاحبه های به عمل آمده مشخص گردید که مصاحبه شوندگان معتقد بودند که در صورتی این مؤلفه در مدارس مؤثر خواهد بود که به جنبه های مختلف ارتباطی دانش آموزان توجه شود.

«دانش آموز باید بتونه خواسته خودش رو بیان کنه، الان چیری که هست دانش آموزان نمی دونند چطور برخورد های اجتماعی خودشون رو مدیریت کنند.»

**۳-۲ صمیمی سازی فضای کلاسی توسط معلمان:** تحلیل نظرات مشارکت کنندگان در پژوهش نشان دهنده این نکته هست که جهت بهبود در وضعیت نشاط در برنامه درسی، باید فضای کلاسی

صمیمی و مبتنی بر صمیمیت باشد. بیشتر این موضوع ناظر بر نقش و تأثیر معلم در کلاس است، در این زمینه طبق نظرات مشارکت‌کنندگان شاخص‌هایی چون حاکم کردن جو صمیمانه و به‌دوراز تحکم در کلاس درس، توجه به تفاوت‌های فردی در کلاس درس و احترام به آن، گروه‌بندی کلاسی و استفاده از راهبردهای تعامل محور در کلاس درس، اجازه دادن به دانش‌آموزان برای ابراز وجود و پذیرفتن اشتباهات ایشان مورد تأکید بود.

« فضای کلاس درس باید طوری باشد که دانش‌آموز بدون استرس و ترس وجود ابراز وجود کند، باید محیطی همراه با صمیمیت در کلاس حاکم باشد.»

**۳-۳ توجه به روش‌های فعال تدریس:** طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش از دیگر شاخص‌های موردتوجه استفاده از روش‌های خلاق و فعال در تدریس است. این شاخص مشتمل بر مواردی همچون استفاده از فعالیت‌های خلاق در آموزش‌های تربیت‌بدنی و کلاسی، برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی سالم همچون صبر، بردباری، اخلاق نیکو، تواضع و پرورش توسط معلمان، استفاده از فناوری و توجه به جنبه‌های بدیع آن در آموزش‌های کلاسی، آشنایی معلمان با اصول و مهارت‌های آموزش تخصصی نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی، جذب دانش‌آموزان به برنامه‌ها و فعالیت‌های پروژه‌ای، استفاده روش‌های مبتنی بر فعالیت و پویایی در کلاس درس است. «معلم در تدریس کلاس درس خودش باید از تکنولوژی‌های نوین استفاده کند و بتونه از جنبه‌های نوآورانه اون در با نشاط ساختن محیط کلاس درش استفاده کنه.»

**۳-۴ پویاسازی فضای فیزیکی:** از دیگر راهبردهای مؤثر بر موضوع، پویاسازی فضای فیزیکی است. فضای فیزیکی باعث می‌شود بتوانیم فعالیت‌های بانشاط و شادی‌آور در مدرسه داشته باشیم و از آن‌ها استفاده بهینه ببریم. ذیل این شاخص کدهای ایجاد بسترهای تعاملی و ارتباطی مبتنی بر تعامل در حیات مدارس و کلاس‌های درس دوره آموزش ابتدایی، توجه به برنامه‌های مختلف فضای فیزیکی در راستای بانشاط سازی فضای فیزیکی همچون برنامه حیاط پویا، استفاده از تمام ظرفیت‌های درونی و بیرونی مدارس در راستای یکپارچه‌سازی و جهت‌دهی به بازی‌های دانش‌آموزان در مدارس، آموزش بازی‌های مفرح و شاد درون مدرسه‌ای به دانش‌آموزان و اجرای آن در فضای مدارس احصا گردید.

«باید مدارس ابتدایی به سمتی برن که از نظر محیط فیزیکی با نشاط و برانگیزاننده باشند، برنامه‌هایی مثل حیاط پویا به نشاط مدارس کمک می‌کنه که باید مورد توجه قرار بگیره»

#### ۴- عوامل زمینه‌ای مؤثر بر پدیده نشاط در برنامه‌دستی دوره ابتدایی چیست؟

عوامل زمینه‌ای نشان‌دهنده یکسری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌های دلالت می‌کند و محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌های در طول یک بُعد است که پدیده در آن نهفته است (Corbin & Strauss, 2008). نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: عوامل زمینه‌ساز الگوی جاری نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
عوامل زمینه‌ای و محیطی	عوامل فرهنگی-اجتماعی	میزان اهمیت جامعه به موضوع شادی و نشاط و تلفیق آن در برنامه‌های مدارس
		عدم پذیرش برنامه‌های شاد و مفرح در فضای جامعه
		شاد بودن فضای خانوادگی (ارتباطات خانوادگی، روابط خانوادگی سالم، برخورد مناسب با وقایع زندگی و ...)
		تأثیرپذیری و تأثیرگذاری گروه همسالان و دوستان
		عدم توجه و یا کم‌توجهی به جشنواره‌های مفرح و بانشاط مانند جشنواره‌های ورزشی
	عوامل سازمانی	میزان اهمیت و توجه سازمان به نشاط و شادی در مدارس و برنامه‌ریزی برای آن
		عدم توجه به فعالیت و پویایی برنامه درسی در سطح سازمان آموزش و پرورش
		فرهنگ حاکم بر مدارس و اهمیت‌دهی به شادی و نشاط در سطح کلان
		بی‌توجهی به برگزاری دوره‌های ضمن خدمت مرتبط با برنامه درسی پنهان مشتمل بر عوامل مرتبط
		گزینش نامناسب معلمان در مقطع ابتدایی و عدم توجه به صلاحیت و تخصص لازم
	عوامل آموزشی	بی‌توجهی به محتوای آموزشی مفرح و زمینه‌ساز شادابی و نشاط کلاسی
		بی‌توجه معلمان به روش‌های تدریس فعال و یکنواختی در آموزش
		برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی-آموزشی مرتبط با تلفیق آموزش و بازی در مناطق
		دعوت از اساتید و متخصصان دانشگاهی حوزه‌های روانشناسی تربیتی برای تلفیق تخصص در آموزش
		عدم استفاده از راهبردهای ارزشیابی مبتنی بر تفاوت‌های فردی و سوق‌دهی دانش‌آموزان به سمت رقابت‌های مخرب

نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی نه در خلأ، بلکه در شرایط زمینه‌ای شکل می‌گیرد که بر آن اثرگذار است بنابراین توضیح زمینه‌های شکل‌گیری این فضا در مدارس به فهم عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن نیازمند است. مقوله شرایط زمینه‌ای همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، شامل عوامل زمینه‌ای و محیطی مشتمل بر ۳ بخش عوامل فرهنگی-اجتماعی، عوامل سازمانی و عوامل آموزشی می‌شود. در ادامه به نمونه‌هایی از بیانات معلمان در این زمینه اشاره می‌شود:

«از جمله موارد مؤثر بر نشاط در برنامه‌های درسی مدارس که خود فراگیر جزئی از اون هست، محیط خانواده و جو عاطفی هست که دانش‌آموز در اون قرار گرفته، نمی‌شه ما دانش‌آموز و برنامه درسی بانشاط داشته باشیم و از بستر خانوادگی غافل بشیم.» (معلم، ۵).

«الان متأسفانه جو اجتماعی طوری هست که برنامه‌های شاد و مفرح در مدارس مورد پذیرش قرار نمی‌گیره، نه از سمت اداره و نه از سمت اولیا، در صورتی که مدرسه جای شادی هست و معلم باید در این زمینه دستش به نسبت باز باشه.» (معلم، ۹).

«محتوای آموزشی مرتبط با شادی و نشاط در کتب درسی ضعیف تدوین شده، به نظرم محتوای کتاب‌هایی مثل کتب ابتدایی دانش‌آموزان باید کاربردی‌تر و دارای جنبه‌های برانگیزاننده‌تری باشه تا دانش‌آموز به خودش جلب بکنه.» (معلم، ۳).

#### ۵-۱ عوامل مداخله‌گر (تسهیل‌کننده) پدیده نشاط در برنامه‌دستی دوره ابتدایی چیست؟

شرایط میانجی / تسهیل‌کننده‌ها، شامل شرایط ساختاری هستند که موجب تسهیل در زمینه پدیده و راهبردها می‌شوند. در جدول شماره ۵ با توجه به دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عواملی که موجب بهبود نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی می‌شود ارائه گردید.

#### جدول ۵: عوامل مداخله‌ای تسهیلگر نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)	
عوامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده	عوامل شخصیتی و فردی	داشتن عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس سازنده	
		اجتماعی بودن و پرهیز از گوشه‌گیری و انزواطلبی	
		داشتن حس تعلق به مدرسه و محیط درسی	
		داشتن توانایی‌های ارتباطی و تعاملی قوی	
	جاذبیت محتوایی کتب درسی	داشتن حس پذیرش شرایط و توانایی هدف‌گذاری شخصی	
		استفاده از محرک‌های مختلف در کتب درسی	
		استفاده از محتواهای آموزشی مختلف و جذاب برای ارتقا جاذبیت آموزشی	
		استفاده از محتواهای آموزشی مبتنی بر فعالیت در کتب درسی	
	توجه به تفاوت‌های فردی و ارزشیابی کیفی	استفاده از فعالیت‌های نشاط محور و با تمرکز بر گفت‌وگو و تعامل در کتب درسی	
		توجه و تأکید معلم به ویژگی‌ها و علائق خاص فراگیران در زمینه آموزش	
		توجه به علایق و شرایط دانش‌آموزان در ارزشیابی	
		توجه به تفاوت‌های فردی در زمینه ارزشیابی و تأکید بر پیشرفت شخصی به جای قیاس کلاسی	
			استفاده از کیفیت‌ها و تمرکز بر آن‌ها بجای کمیت‌های استرس‌آفرین

نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی به عوامل مختلفی بستگی داشته و از آن تأثیر می‌پذیرد در میان نظرات مشارکت‌کنندگان وجود برخی عوامل موجب بهبود این وضعیت نشاط در مدارس و برنامه‌های درسی می‌شود؛ در این میان با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان سه محور عوامل شخصیتی و فردی، جذابیت محتوایی کتب درسی، توجه به تفاوت‌های فردی و ارزشیابی کیفی، منجر به تسهیل این امر به عقیده مشارکت‌کنندگان می‌شود.

عوامل شخصیتی و فردی به ویژگی‌های شخصیتی مرتبط می‌شود که داشتن و پرورش آن‌ها می‌تواند باعث شادابی و نشاط فردی و در نتیجه موفقیت تحصیلی گردد. این محور مشتمل بر داشتن عزت‌نفس و اعتماد به نفس سازنده، اجتماعی بودن و پرهیز از گوشه‌گیری و انزواطلبی، داشتن حس تعلق به مدرسه و محیط درسی، داشتن توانایی‌های ارتباطی و تعاملی قوی، داشتن حس پذیرش شرایط و توانایی هدف‌گذاری شخصی بود که در ادامه به بررسی نقل‌قول‌های مرتبط با این بخش پرداخته می‌شود:

در این زمینه مدیر (۶) که از کارشناسان پیشین اداره نیز بود بیان داشت: «دانش‌آموزان با نشاط و دانش‌آموزانی که نشاط و شادابی در فضای تحصیل و دوره‌های تحصیلی تجربه می‌کنند اغلب افرادی با عزت نفس و دارای روحیه همکاری هستند این افراد بهتر می‌توانند ارتباط برقرار کنند و به گفت‌وگو و رفع نیازهاشون بپردازن به همین خاطر هست که زیاد درگیر انزواطلبی و گوشه‌گیری نیستن و در ارتباط با دیگران به روحیه سالم‌تر و شادابی بیشتری دست پیدا می‌کنند.»

در این زمینه معلم (۷) بیان داشت: «محتوای کتب درسی از جمله مواردی است که دانش‌آموزان و معلمان تمام تلاششان در مدرسه و کلاس درس بر دستیابی به اهداف کتب درسی است؛ اما همین کتب درسی و محتواهای آموزشی و کمک‌آموزشی می‌تواند کمک بسیاری به نشاط برنامه درسی داشته باشد و فضای نشاط را بر کلاس درس و برنامه درسی حاکم کند اگر از فعالیت‌های خلاق و سازنده و تمرینات گروهی و مبتنی بر تعامل سازنده در آن استفاده شود.»

همچنین معلم (۸) معتقد بود: «یکی از ترس‌هایی که دانش‌آموزان رو گرفتار کرده، ترس از امتحان و ارزشیابی هست که واقعاً نشاط رو در مدارس ابتدایی با چالش مواجه کرده، باید این نکته رو در نظر بگیریم که هر دانش‌آموز به عنوان به انسان ویژگی خاص خودش رو داره و باید با خودش مقایسه بشه.»

#### ۵-۲ عوامل مداخله‌گر (محدودکننده) پدیده نشاط در برنامه درسی دوره ابتدایی چیست؟

در بین تجارب مشارکت‌کنندگان، برخی از عوامل سازمانی و انسانی به‌عنوان محدودکننده یادگیری نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی بیان شدند. این عوامل مانع از اثربخشی برنامه‌های مربوط به اهداف پژوهش می‌شوند. نتایج این بخش از یافته‌ها در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶: عوامل مداخله‌ای محدودکننده نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)	
چالش‌های نشاط در برنامه درسی مدارس	چالش‌های فردی	افزایش تنش‌های عاطفی در دانش‌آموزان همچون نگرانی و اضطراب و استرس	
		کم‌رویی و عدم اعتمادبه‌نفس و نوسانات رفتاری دانش‌آموزان	
		تغذیه نامناسب و نداشتن سلامت جسمانی و یا خواب ناکافی	
		سرخوردگی و ناکامی در دستیابی به خواسته‌ها	
		نداشتن حس مفید بودن و کارایی در مدرسه و جامعه	
		عدم برنامه‌ریزی و هدفمندی در زندگی	
	چالش‌های فرهنگی	فقر فرهنگی و انتظارات نامعقول والدین و جامعه از فرزندان	
		آشفته‌گی جامعه و تضعیف روحیه افراد	
		گسترش شبکه‌های اجتماعی و پمپاژ خیرهای منفی و القای یأس	
		رواج کم‌حرکی میان دانش‌آموزان با آپارتمان‌نشینی و زندگی شهری	
		عدم توانایی خانواده‌ها در فراهم‌سازی زمینه‌های دستیابی به استعدادها برای کودکان به دلیل بار مالی	
		تغییر در ارزش‌گذاری‌های زندگی و ناتوانی نظام آموزشی در هماهنگی با خواسته‌های نسل جدید	
	چالش‌های مدرسه‌ای	ناکارآمدی روش‌های و شیوه‌های تربیتی رایج در نظام آموزشی مشتمل بر تحقیر و تنبیه بدنی	
		استفاده از سیستم‌های ارزشیابی نامناسب و مبتنی بر قیاس و مقایسه	
		شلوغی کلاس‌های درس و عدم تناسب بین فضا و سایر مؤلفه‌های برنامه درسی	
		دغدغه‌های شغلی و معیشتی معلمان و به تبع آن شغل دوم و سوم معلمان	
			عدم دستیابی و به‌روزرآوری اطلاعات و آگاهی‌های توسط معلمان

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که موانع و چالش‌های آموزش نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی را می‌توان در ۳ دسته اصلی چالش‌های فردی، چالش‌های فرهنگی و چالش‌های مدرسه‌ای قرارداد؛ که در ادامه به شرح و بسط این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

**چالش‌های فردی:** این دسته از عوامل محدودکننده مربوط به عوامل فردی و شخصیتی بکار بسته‌شده در زمینه آموزش است و به بعد فردی اختصاص دارد چالش‌های فردی طبق دسته‌بندی پژوهش‌گران مشتمل بر عواملی شامل؛ افزایش تنش‌های عاطفی در دانش‌آموزان همچون نگرانی و اضطراب و استرس، کم‌رویی و عدم اعتمادبه‌نفس و نوسانات رفتاری دانش‌آموزان، تغذیه نامناسب

و نداشتن سلامت جسمانی و یا خواب ناکافی، سرخوردگی و ناکامی در دستیابی به خواسته‌ها، نداشتن حس مفید بودن و کارایی در مدرسه و جامعه، عدم برنامه‌ریزی و هدفمندی در زندگی است. در این زمینه به عنوان نمونه معلم (۱۱) بیان داشت: «لان یکی از چالش‌های اصلی که دانش‌آموزان با اون روبه‌رو هستند و نشاط اونا رو چه در محیط مدرسه و چه بیرون دچار اختلال می‌کنه، نبود اعتماد به نفس هستش.»

**چالش‌های مدرسه‌ای:** به عقیده مشارکت‌کنندگان آنچه در مدارس به‌طور کلی اتفاق می‌افتد می‌تواند محدودکننده نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی باشد. پژوهشگران عوامل مرتبط با این بخش مشتمل بر ناکارآمدی روش‌های و شیوه‌های تربیتی رایج در نظام آموزشی مشتمل بر تحقیر و تنبیه بدنی، استفاده از سیستم‌های ارزشیابی نامناسب و مبتنی بر قیاس و مقایسه و کمیت‌گرایی، شلوغی کلاس‌های درس و عدم تناسب بین فضا و سایر مؤلفه‌های برنامه درسی، دغدغه‌های شغلی و معیشتی معلمان و به تبع آن شغل دوم و سوم معلمان، عدم دستیابی و به‌روزآوری اطلاعات و آگاهی‌های توسط معلمان قلمداد نمودند که در حیطه عمل و کنش باعث محدودیت‌های مرتبط بانشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی شده است. در این زمینه معلم (۲) بیان داشت: «به شدت کلاس‌های درس ما شلوغ هست، کلاس ابتدایی باید نهایت ۲۰ دانش‌آموز داشته باشه، ولی من معلم سرکلاس ۳۲ دانش‌آموز دارم، با این حجم محتوا و این تعداد دانش‌آموز نمی‌شه انتظار توجه به نشاط رو داشت.»

**چالش‌های فرهنگی:** به عقیده مشارکت‌کنندگان شرکت‌کننده در پژوهش بخشی از محدودیت‌های آموزش نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی مرتبط با چالش‌های فرهنگی است. چالش‌های فرهنگی به مواردی اطلاق می‌شود که مرتبط با فرهنگ و وضعیت خانواده و جامعه است و مشتمل بر فقر فرهنگی و انتظارات نامعقول والدین و جامعه از فرزندان، آشفتگی جامعه و تضعیف روحیه افراد، گسترش شبکه‌های اجتماعی و پمپاژ خبرهای منفی و القای یاس، رواج کم‌تحرکی میان دانش‌آموزان با آپارتمان نشینی و زندگی شهری، عدم توانایی خانواده‌ها در فراهم‌سازی زمینه‌های دستیابی به استعدادها برای کودکان به دلیل بار مالی، تغییر در ارزش‌گذاری‌های زندگی و ناتوانی نظام آموزشی در هماهنگی با خواسته‌های نسل جدید است. در این زمینه والد (۳) بیان داشت: «یکی از ترس‌هایی که دانش‌آموزان رو گرفتار کرده، ترس از امتحان و ارزشیابی هست که واقعاً نشاط رو در مدارس ابتدایی با چالش مواجه کرده، باید این نکته رو در نظر بگیریم که هر دانش‌آموز به عنوان یه انسان ویژگی خاص خودش رو داره و باید با خودش مقایسه بشه.»

## ۶- پیامدها و وضعیت موجود نشاط در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی چیست؟

پیامدهای وضعیت جاری الگوی نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی، رخت بستن نشاط و شادی و حاکمیت یاس و ناامیدی در مدارس است که نتایجی همچون افزایش افسردگی و



سرخوردگی در کودکان را به دنبال دارد. این پیامدها، زمینه اتلاف استعدادها، پتانسیل‌ها و منابع انسانی و مالی را فراهم می‌کند که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

### مدل پارادایمی پرآمده از داده‌ها

با توجه به کدگذاری باز، محوری و انتخابی؛ مدل پارادایمی الگوی جاری نشاط در برنامه‌دستی دوره آموزش ابتدایی در شکل شماره ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: الگوی جاری آموزش نشاط در برنامه‌دستی دوره ابتدایی

### بحث و نتیجه‌گیری

نشاط عنصر حیات‌بخش زندگی است. پس از قدرت تفکر می‌توان گفت که نشاط عامل تمیزدهنده بین انسان و حیوان است. یکی از مسائل اساسی در نظام آموزش توجه به نشاط است. نشاط و شادابی برنامه‌دستی باعث رشد و تکامل همه ابعاد وجودی یک دانش‌آموز در بعد جسمانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی می‌شود (Aflaki Fard & Bazm, 2018). شناخت الگوی

جاری نشاط در برنامه درسی مقطع ابتدایی زمینه‌ساز تحول در امر آموزش این مقطع است. از این رو در این پژوهش بر آن شدیم به بررسی الگوی جاری نشاط در برنامه درسی مقطع ابتدایی بپردازیم. نتایج نشان داد که شرایط محوری در این پژوهش با توجه به مسئله اصلی پژوهش حول محوریت غفلت از نشاط در برنامه‌درسی و تربیتی مدارس قرار دارد، در این زمینه سه محور اصلی ضعف تعاملات مدرسه‌ای دانش‌آموزان، ضعف نشاط در عناصر اصلی برنامه درسی (مشمول بر شاخص‌هایی چون ضعف توجه به نشاط در طراحی برنامه‌های درسی، اجرای برنامه‌های درسی در مدارس و ارزشیابی آن) و عدم توجه به ظرفیت‌های مشاوره در برنامه‌درسی مدارس است. با نگاهی تحلیلی به این زمینه عدم توجه به نشاط در انواع برنامه‌درسی (برنامه‌درسی قصد شده، برنامه درسی اجرا شده و برنامه درسی کسب شده) منجر به ضعف نشاط در مدارس می‌شود. در این زمینه نیز با توجه به جست‌وجوی محققین پژوهشی در داخل و خارج کشور هم‌راستای این پژوهش انجام نگرفته بود ولی یافته‌های این قسمت از پژوهش با یافته‌های ضمنی پژوهش‌های **Dehghani & Khossofat (2019)**، **Calp (2020)** و **Sobel (2020)** هم‌راستا است. تعاملات مدرسه‌ای از جنبه‌های مهم نشاط در مدارس است (**Calp, 2020**). از سویی جهت وجود نشاط در مدارس توجه به انواع برنامه‌های درسی (قصد شده، اجرا شده و ارزیابی شده) و تلفیق نشاط در آن ضروری است.

موجبات علی نیز که مستقیماً به مقوله کانونی نشاط در برنامه‌درسی می‌انجامد همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود از چند مقوله اصلی تشکیل می‌شوند که شامل؛ ضعف مدیریتی مدارس، ضعف در فرهنگ آموزشی مدارس و ضعف روابط اجتماعی دانش‌آموزان است. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های **Jafari & Talebzadeh (2010)**، **Bajaj (2020)** و **Gupta (2020)** می‌باشد. نشاط برخاسته از عوامل گوناگونی در برنامه‌درسی مدارس است که خود معلول این عوامل می‌باشد؛ مدیریت مدارس با توجه به محیط فیزیکی، ایمنی روانی و فیزیکی و توجه به فعالیت‌های فوق‌برنامه زمینه پویایی محیط یادگیری را فراهم می‌کند. از سویی فرهنگ آموزشی مدارس و رقابتی محور بودن ساختارهای آموزشی منجر به ضعف نشاط در برنامه‌های درسی می‌شود. شرایط محیطی به عنوان عامل زمینه‌ای نشاط در برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی شناخته شد. عوامل محیطی به عنوان عوامل همبافتی و بی‌واسطه در فرآیند نشاط در برنامه‌های درسی مدارس نقش دارند به عبارت دیگر انسان جزئی از محیط اطراف خود است که در عین تأثیرگذاری بر آن، از آن تأثیر مستقیم می‌گیرد. در پژوهش حاضر مشارکت‌کنندگان به عواملی چون شرایط فرهنگی - اجتماعی، عوامل و شاخص‌های سازمانی و عوامل آموزشی را تکوین دهنده نشاط در برنامه درسی ابتدایی می‌دانستند. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های **Ventura (2020)** و **Alam et Al (2022)** است. نشاط در برنامه درسی در یک زیست‌بوم که دانش‌آموز با آن در

عامل و کنش می‌باشد شکل می‌گیرد. در زمینه نشاط و تلفیق آن در برنامه‌های درسی، شرایط فرهنگی و اجتماعی به عنوان بستری برای زمینه‌سازی نشاط در برنامه‌های درسی عمل می‌کند از سویی برنامه درسی جزئی از برنامه‌ها و شاخص‌ها مدرسه به عنوان سازمان آموزشی شناخته می‌شود که از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند.

از نظر مشارکت‌کنندگان هر چند نشاط در برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی ناشی از موجبات علی و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای می‌باشد ولی در این اثنا نقش عاملیت انسانی و کنشگران را نباید نادیده گرفت. راهبردهایی که در مواجهه با نشاط در برنامه‌دستی مورد توجه مشارکت‌کنندگان بود را می‌توان در چهار دسته؛ توجه به بهسازی تعاملات و ارتباطات دانش‌آموزان، صمیمی‌سازی فضای کلاسی توسط معلمان، توجه به روش‌های فعال تدریس و پویاسازی فضای فیزیکی و عاطفی مدارس مورد سازمان‌دهی قرار داد. نشاط در برنامه‌های درسی مدارس تنها وابسته به ابعاد خاصی چون محتوا، تدریس، تعاملات و محیط نیست، بلکه چون عاملی هم‌بافتی وابسته به عوامل و شاخص‌های زیادی است. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های Jafari & Talebzadeh (2010) و Alam et Al (2022) است.

ویژگی‌های شخصیتی و فردی دانش‌آموزان، جذابیت محتوای کتاب‌های درسی متناسب با ویژگی‌های سنی و روان‌شناختی فراگیران و توجه به ارزشیابی کیفی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان منجر به تسهیل امر نشاط در برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی می‌شود. اثبات این موارد را می‌توان ایمگونه بیان داشت که این عوامل خود از زمینه‌سازهای نشاط در برنامه‌های درسی و اجرای آن در مدارس هستند. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های Bird & Markle (2012) است. در بین تجارب و بیانات مشارکت‌کنندگان در زمینه عوامل مُخل و محدودکننده نشاط در برنامه‌های درسی مقاطع ابتدایی سه عامل چالش‌های فردی، چالش‌های فرهنگی و چالش‌های مدرسه‌ای قابل شناسایی بودند؛ در زمینه چالش‌های فردی ویژگی‌هایی چون ضعف‌های عاطفی، کم‌رویی و ضعف اعتمادبه‌نفس، عدم برنامه‌ریزی و هدفمندی مورد تأکید بود. همچنین ضعف‌های فرهنگی در زمینه آموزش در جامعه و چالش‌های فرهنگی موجود در زندگی اجتماعی و شخصی منجر به ضعف نشاط در برنامه‌های درسی می‌شود. از سویی چالش‌های موجود در سیستم آموزشی-اداری مدارس منجر به ضعف نشاط در برنامه‌های درسی می‌شود. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های برخی از پژوهش‌ها در زمینه نشاط در برنامه درسی است (Bajaj et Al, 2019 & Calp, 2020) است.

وجود این چنین چالش‌هایی در برنامه درسی مدارس منجر به رخت بستن نشاط و شادی و حاکمیت یاس و ناامیدی در مدارس است که نتایجی همچون افزایش افسردگی و سرخوردگی در

کودکان را به دنبال دارد. این پیامدها، زمینه اتلاف استعدادها، پتانسیل‌ها و منابع انسانی و مالی را فراهم می‌کند که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

به اعتقاد نگارندگان نشاط در برنامه درسی دوره ابتدایی مهم‌ترین و شاید شالوده آموزش‌ها در این مقطع باشد. نشاط در برنامه‌های درسی به همان میزان که می‌تواند زمینه‌ساز تحول در آموزش مقطع ابتدایی باشد، به همان میزان نیز در خطر سهل‌انگاری و مسامحه قرار دارد. مسامحه و سهل‌انگاری که با توجه به سطوح مختلف برنامه درسی و شکاف بین آن‌ها در میدان عمل قابل لمس و مشهود می‌باشد. شکافی که با بررسی ساده وضعیت مدارس ابتدایی و دلزدگی دانش‌آموزان از تحصیل قابل لمس است. در این پژوهش سعی گردید هر چند به مقدار کم با به تصویر کشیدن نشاط در برنامه‌های درسی در میدان و بافت مدارس ابتدایی از منظر کارگزاران دخیل در آن به شناسایی نقاط کور (نقاط سخت) این برنامه پرداخته شود، تا گامی کوچک در زمینه بهبود این برنامه برداشته شود. محدودیت‌های پژوهش حاضر را می‌توان در مشارکت ضعیف معلمان در اجرای مصاحبه، محافظه‌کاری آنان در پاسخگویی به سؤالات و بیان وضعیت موجود در کلاس درسشان بیان داشت. در ادامه پیشنهادهایی با توجه به نتایج ارائه می‌گردد:

- با توجه به یافته‌های پژوهش برنامه‌ریزان درسی در مقطع ابتدایی به زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی در تلفیق نشاط در برنامه‌های درسی توجه کنند.
- مجریان برنامه‌های درسی در مقطع ابتدایی از رویکردهای فعال و زمینه محور در اجرای برنامه‌های درسی استفاده کنند.
- با توجه به نقش تعاملات در زمینه‌سازی نشاط در برنامه‌های درسی، پیشنهاد می‌شود زمینه تعامل و مشارکت حداکثری مجریان برنامه‌های درسی، والدین دانش‌آموزان، دانش‌آموزان و مدیران مدارس در برنامه‌ریزی مدرسه محور فراهم گردد.
- در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی به نشاط به عنوان عنصری مهم در تلفیق برنامه‌های درسی توجه شود.
- نرخ دانش‌آموز-معلم در کلاس‌های درس مورد توجه قرار گیرد.
- محیط فیزیکی مدارس ابتدایی با توجه به استانداردهای فضاهای آموزشی طراحی و از نظر زیباشناسی و ایجاد جذابیت در آن توجه شود.
- محتوای آموزشی در مدارس ابتدایی بیشتر رویدنی بوده و از محتوا محوری دوری شود.
- تعاملات و ارتباطات درون مدرسه‌ای دانش‌آموزان مورد توجه و سعی شود با توجه به برنامه درسی پنهان مورد هدایت قرار گیرند.
- به مدرسه و محیط آن به عنوان یک زیست‌بوم توجه شده و تعاملات و فضای آن جهت ایجاد نشاط و شادابی مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- Abedi, M., Ahmadi, A., & Nasuhi, M. (2014). Investigating the relationship between the level of happiness and educational factors of Mobarakeh high school students. *Knowledge and Research Quarterly in Psychology*, 5(2), 36-50. [Persian].
- Abedi, Mohammadreza; Ahmadi, Ahmad and Nasuhi, Mohammad (2013). Investigating the relationship between the level of happiness and educational factors of Mobarakeh high school students. *Knowledge and Research Quarterly in Psychology*, 5(2), 36-50.
- Aflaki Fard, H., & Bazm, Q. (2018). The effect of educational atmosphere on students' happiness and learning. *Journal of New Achievements in Humanities Studies*, 1(2), 43-77. [Persian].
- Aflaki Fard, Hossein; Bazm, Qasim (2017). The effect of educational atmosphere on students' happiness and learning. *Journal of New Achievements in Humanities Studies*, 1(2), 43-77.
- Ahn, N., Garcia, J. R., & Jimeno, J. F. (2004). The impact of unemployment on individual well-being in the EU. *European Network of Economic Policy Research Institutes*, 29( 11), 65-89.
- Alam, A., & Mohanty, A., & Alam, S. (2022). 'Happiness Curriculum' and the Pedagogical Tools for its Effective Transaction : A Systematic Literature Review. *Eniiii onnig Indad's Fuur*, 4(5), 56 - 77.
- Bajaj, B., Gupta, R., & Sengupta, S. (2019). Emotional stability and self-esteem as mediators between mindfulness and happiness. *Journal of Happiness Studies*, 20(7), 2211-2226.
- Bakosh, L. S., Snow, R. M., & Tobias Mortlock, J. M. (2016). Maximizing Mindful Learning: Mindful Awareness Intervention Improves Elementary School students' well-being. *Mindfulness*, 7(1), 26-42. doi: [10.1007/s12671-015-0387-6](https://doi.org/10.1007/s12671-015-0387-6)
- Bird, J. M., & Markle, R. S. (2012). Subjective well-being in school environments: Promoting positive youth development through evidence-based assessment and intervention. *American Journal of Orthopsychiatry*, 82(1), 61-66
- Calp, S. (2020). Peaceful and Happy Schools: How to Build Positive Learning Environments. *International Electronic Journal Of Elementary Education*, 12(4), 311-320.
- Chernik, V., Afonkina, I., & Kuzmicheva, T. (2021). Pedagogy of Happiness: A Russian View. *Education Sciences*, 11(503), 1-12.
- Crittenden, P. M. (2012). The relationship between parents' well-being and the life satisfaction of their children in Britain. *Child Indicators Research*, 5(4), 631-650.
- Corbin, J., & Strauss, A.L. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. 3rd ed. Washington DC: Sage Publications, Inc.
- Creswell, J.W. (2017). *Qualitative scanning and research design: selection from five approaches (narrative research, phenomenology, foundation data theory, ethnography, case study)*. (Hassan Danaei, Fard and Hossein Kazemi, translator). Tehran: Saffar Publications. (Persian)
- Dehghani, M. D., Khossofat, S. (2019). Clarifying the objectives of the happy curriculum based on Islamic teachings. *scientific bi-quarterly - promotion of educational sciences from the perspective of Islam*, 6(10), 5-29. [Persian].
- Dehghani, Marzieh Dayalmeh, Niko, Khossofat, Sakineh (2017). Clarifying the objectives of the happy curriculum based on Islamic teachings, scientific bi-

- quarterly - promotion of educational sciences from the perspective of Islam, 6(10), 5-29.
- Desan, P.H., Setton, M.K., Holzer, A.A., Young, K.C., Sun, Y., He, F., Li, B., Weinstein, A.J., & Yu, X. (2021). Attitude Change after a Curriculum on the Science and Philosophy of Well-Being and Happiness for High School Students: A Classroom-Randomized Trial. *British Journal of Educational Psychology*, 91(4), 1333-1349.
- Diener, E. (1999). Subjective well-being. *Psychology in Bulletin*, 95(2), 542-575.
- Gupta, V. (2020). ENRICHING Happiness Curriculum At Schools: Designing Activities in the context of Happiness. *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research (JETIR)*, 7(2), 45-56.
- Jafari, P., Talebzadeh, F. (2010). Presenting a model for vitality and happiness in elementary schools in Tehran. *Educational Leadership and Management Quarterly*, 4(4), 9-32. [Persian].
- Jafari, Paryosh, Talebzadeh, Fatemeh (2009). Presenting a model for vitality and happiness in elementary schools in Tehran, *Educational Leadership and Management Quarterly*, 4(4), 9-32.
- Kaur, J; Sharma, A (2021). Conceptual ECCE Happiness Framework for Preschools: To Introduce Importance of Happiness to Promote Social and Emotional Competence in Preschool Children, *SAGE Open*, 11(3), 25-49.
- Khodaei, Z. (2011). *God, how can I be happy?*. Qom: Qalam Zanan Publications. [Persian].
- Khodaei, Zubaydah (2010). *God, how can I be happy?* Qom: Qalam Zanan Publications.
- Lee, J. (2016). *Education and Happiness in Ancient Asian Wisdom: Reflections from Indian & Chinese Classics*, ERIC\_Number: ED570181
- Moskowitz, S., & Dewaele, J.M. (2019) *Is teacher happiness contagious? A study of the link between perceptions of language teacher happiness and student attitudes*. *Innovation in Language Learning and Teaching*, <https://doi.org/10.1080/17501229.2019.1707205>
- Seligman, M. & Adler, A. (2019). Positive Education In Global Happiness Council. *Global Happiness and Wellbeing Policy Report*, 5(7), 53-72.
- Seligman, M. (2011). *Flourish: A Visionary New Understanding of Happiness and Well-being*. Free Press; Reprint edition, 5(7), 21-37.
- Singh, A. (2019). Happiness Curriculum: Transformative Process to Ensure Holistic Child Development. *Journal of Advances and Scholarly Researches in Allied Education [JASRAE]*. 16(5), 874-876.
- Sobel, D. (2020). School Outdoors: The Pursuit of Happiness as an Educational Goal. *Journal of Philosophy of Education*, 54(4), 1064-1070.
- Suma, P., Mohan, K. (2020). Inculcating Happiness and Well-being in Private Schools a Study of Influencing Factors on Teachers in Visakhapatnam City. *International Journal of Advanced Research in Management*, 11(3), 21-45.
- Talebzadeh, F., & Samkan, M. (2011). Happiness for our kids in schools: A conceptual model. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 29(4), 1462 – 1471.
- Ventura, S. (2020). The High Schooler's Guide to Happiness. *Educational Leadership*, 77(6), 78-81.
- Yucel, D., & Vogt-Yuan, A. S. (2016). Parents, siblings, or friends? Exploring life satisfaction among early adolescents. *Applied Research Quality Life*, 11(4), 1399-1423.

## **An Evaluation of the Current Model of Nishat (Vitality) Curriculum in Primary School: A Grounded Theory Study**

Neda Bagheri Mahyari<sup>1</sup>, Hadi Pourshafei<sup>2</sup>, Mohammad Ali Rostami Nejad<sup>3</sup>, and Mohammad Reza Nistani<sup>4</sup>

### **Abstract**

The aim of the present study was to investigate the current model of 'Nishat (Vitality) Curriculum' in primary school. This qualitative study used the grounded theory approach. The statistical participants of the study included all the agents involved in the development of Nishat curriculum for primary education. Purposeful criterion sampling was used to select participants. Data were collected through semi-structured interviews with 14 teachers, five school administrators, and eight parents of students. In order to analyze the data, open, axial, and selective coding was used. The criteria proposed by Lincoln and Guba (1985) were used to assess transferability and dependability. The results led to the identification of 21 core concepts and eight categories, which were put together in the form of a paradigm model. The model included the neglect of vitality in school curricula as the core category. It also comprised causal conditions (weakness in school management, weakness in educational culture schools, weakness in students' social relations), contextual factors (sociocultural factors, organizational factors, and educational factors), facilitating conditions (personality and individual factors, content attractiveness of textbooks, attention to individual differences, and qualitative evaluation), intervening conditions (individual challenges, cultural challenges, and school challenges), strategies (interactions and communication among students, creation of a friendly classroom atmosphere by teachers, attention to active teaching methods, dynamization of the physical space), and consequences (increased depression and academic frustration). Therefore, it can be concluded that it is necessary for all education stakeholders to pay attention to sociocultural, organizational, and educational factors in the integration of Nishat (vitality) into the curriculum.

**Keywords:** Nishat (vitality) in curriculum, curriculum development, primary school, grounded theory

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 
1. PhD Student in Curriculum Planning, University of Birjand, Birjand, Iran (n.baqrymahyari@gmail.com)
  2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Birjand, Birjand, Iran (Corresponding Author) (Hpourshafei@birjand.ac.ir)
  3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Birjand, Birjand, Iran (m.arostami@birjand.ac.ir)
  4. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran (m-neyestani@edu.ui.ac.ir)